

# سنت تصحیح متن

در ایران پس از اسلام

مجتبی مجرد

# سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام

مجتبی مجرد

؛



انتشارات هرمس



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴  
مجموعه ادب فکر - زبان و ادبیات: ۸۰

## سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام

مجتبی مجرد

عضو هیئت علمی دانشگاه بجنورد

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

|                      |                                                  |
|----------------------|--------------------------------------------------|
| سرشناسه:             | مجرد، مجتبی، ۱۳۶۵ اردیبهشت -                     |
| عنوان و نام پدیدآور: | سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام / مجتبی مجرد. |
| مشخصات نشر:          | تهران: هرمس، ۱۳۹۶.                               |
| مشخصات ظاهری:        | ده + ۲۸۵ ص:؛ مصور.                               |
| شابک:                | 978 - 600 - 456 - 001 - 6                        |
| وضعیت فهرست‌نویسی:   | فیا                                              |
| یادداشت:             | کتابنامه: ص. ۲۷۱                                 |
| موضوع:               | تصحیح انتقادی - ایران - تاریخ                    |
| موضوع:               | Criticism, Textual - Iran - History              |
| رده‌بندی کنگره:      | ۹۱۳۹۶ س ۳ / ۴۷ P                                 |
| رده‌بندی دیویی:      | ۸۰۱ / ۹۵۹                                        |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۴۶۴۶۶۱۳                                          |

## فهرست

|       |                     |     |
|-------|---------------------|-----|
| ..... | متن‌شناسی، خودشناسی | نُه |
| ..... | پیشگفتار            | ۱   |

## فصل اول

### ایرانیان و تصحیح متون در پنج قرن نخست اسلامی

|       |                                            |    |
|-------|--------------------------------------------|----|
| ..... | مقدمه‌ای در باب تصحیح متن                  | ۵  |
| ..... | دوران انتقال و تعریب فرهنگ ایرانی          | ۱۰ |
| ..... | قرآن، سرآغاز اندیشه‌های متن‌شناسانه اسلامی | ۱۲ |
| ..... | کتابت و تدوین حدیث                         | ۱۶ |
| ..... | تحریف و تصحیف                              | ۱۹ |
| ..... | التنبیه علی حدوث التصحیف                   | ۲۵ |
| ..... | روش‌های اخذ دانش و توثیق متن               | ۳۰ |
| ..... | ۱. روش‌های بازخوانی مکرر                   | ۳۳ |
| ..... | ۲. روش‌های مبتنی بر نسخه‌شناسی             | ۳۸ |
| ..... | ۳. روش‌های مبتنی بر تبارشناسی              | ۴۲ |
| ..... | کارکرد نسخه‌بدل در تمدن اسلامی             | ۴۶ |
| ..... | متصدیان تصحیح متن                          | ۵۲ |
| ..... | محدثان                                     | ۵۳ |
| ..... | دانشمندان و ادیبان                         | ۵۳ |
| ..... | وَرّاقان                                   | ۵۴ |
| ..... | خلاصه و نتیجه‌گیری                         | ۵۷ |

## فصل دوم

## سنت تصحیح متون فارسی از قرن پنجم تا پایان قرن نهم هجری

|     |       |                                     |
|-----|-------|-------------------------------------|
| ۵۹  | ..... | مقدمه                               |
| ۶۱  | ..... | اشاراتی به تصحیح متون در آثار فارسی |
| ۷۴  | ..... | گزارش‌هایی از تصحیح چند متن         |
| ۷۵  | ..... | اختیارات شاهنامه                    |
| ۷۷  | ..... | گردآوری دیوان مسعود سعد سلمان       |
| ۷۹  | ..... | شاهنامه به تصحیح حمدالله مستوفی     |
| ۸۶  | ..... | شاهنامه بایسنغری                    |
| ۸۹  | ..... | تصحیح نسخه‌های خطی فارسی            |
| ۹۳  | ..... | نشانه‌ها، رموزها و اصطلاحات تصحیح   |
| ۱۰۱ | ..... | یادداشت‌های بلاغ و مقابله           |
| ۱۰۴ | ..... | خلاصه و نتیجه‌گیری                  |

## فصل سوم

## تصحیح متون فارسی از قرن دهم تا پایان قرن دوازدهم هجری

|     |       |                                                 |
|-----|-------|-------------------------------------------------|
| ۱۰۷ | ..... | مقدمه                                           |
| ۱۰۸ | ..... | شیوع فن تصحیح متون                              |
| ۱۱۳ | ..... | پیوند تصحیح متون با نقد ادبی                    |
| ۱۱۶ | ..... | تصحیح دیوان حافظ در هرات                        |
| ۱۲۰ | ..... | عبداللطیف عباسی، بزرگ‌ترین مصحح سنتی زبان فارسی |
| ۱۵۰ | ..... | رمزهای تصحیح در نسخ خطی قرن دهم تا دوازدهم هجری |
| ۱۵۵ | ..... | خلاصه و نتیجه‌گیری                              |

## فصل چهارم

## تصحیح متون فارسی در دوره جدید

|     |       |                                |
|-----|-------|--------------------------------|
| ۱۵۷ | ..... | مقدمه                          |
| ۱۶۳ | ..... | علامه محمد قزوینی              |
| ۱۶۵ | ..... | ۱. نقد روش‌های تصحیح متن       |
| ۱۶۸ | ..... | ۲. شم فقهاتی یا توانایی اجتهاد |

|     |                                         |
|-----|-----------------------------------------|
| ۱۷۰ | ۳. احتراز از تصحیح خودکار               |
| ۱۷۲ | ۴. توجه به نسخ اقدم و اصح               |
| ۱۷۴ | ۵. فامیل‌شناسی (تبارشناسی) نسخ          |
| ۱۷۵ | ۶. نسخه‌بدل                             |
| ۱۷۸ | ۷. توجه به منابع جانبی                  |
| ۱۸۰ | ۸. رسم الخط متون تصحیح‌شده              |
| ۱۸۲ | احمد بهمنیار کرمانی                     |
| ۱۸۴ | ۱. ممارست در شناخت نسخه‌ها              |
| ۱۸۶ | ۲. اجتهاد مهارشده                       |
| ۱۸۷ | ۳. کیفیت ارائه نسخه‌بدل                 |
| ۱۸۹ | ۴. توجه به منابع جانبی و تحقیقات میدانی |
| ۱۹۰ | ۵. رسم الخط متون تصحیح‌شده              |
| ۱۹۱ | محمدتقی بهار                            |
| ۱۹۳ | ۱. نقد سنت تصحیح متن                    |
| ۱۹۷ | ۲. ذوق منتبّع و غیرمنتبّع               |
| ۱۹۹ | ۳. اصلاح خطای مؤلف                      |
| ۲۰۱ | ۴. رابطه قدمت و اصالت نسخه              |
| ۲۰۱ | ۵. نسخه‌بدل، منابع جانبی و رسم الخط     |
| ۲۰۴ | جلال‌الدین همایی                        |
| ۲۰۵ | ۱. فلسفه تصحیح متون                     |
| ۲۰۶ | ۲. نقد و بررسی سنت تصحیح متن            |
| ۲۰۹ | ۳. مقابله متن یا تصحیح متن؟             |
| ۲۱۰ | ۴. معیارهای مصحح حقیقی                  |
| ۲۱۲ | ۵. طبقه‌بندی و تبارشناسی نسخ            |
| ۲۱۳ | ۶. رابطه قدمت و صحت نسخه                |
| ۲۱۵ | ۷. خطرات ذوق لجام‌گسیخته و تصحیح خودکار |
| ۲۱۸ | ۸. استفاده از منابع جانبی               |
| ۲۱۸ | ۹. نسخه‌بدل                             |
| ۲۲۱ | ۱۰. رسم الخط متون تصحیح‌شده             |

|     |                                                        |
|-----|--------------------------------------------------------|
| ۲۲۴ | ..... مجتبی مینوی                                      |
| ۲۲۵ | ..... ۱. مهار ذوق در تصحیح متون                        |
| ۲۲۸ | ..... ۲. نسخه‌های کهن تر باید معیار تصحیح باشد         |
| ۲۳۰ | ..... ۳. انتقاد از تصحیح التقاطی                       |
| ۲۳۰ | ..... ۴. تصحیح انتقادی                                 |
| ۲۳۴ | ..... ۵. عدم اعتماد به نسخه‌های کاتبان و مصححان ایرانی |
| ۲۳۶ | ..... خلاصه و نتیجه‌گیری                               |
| ۲۳۹ | ..... فرجام سخن                                        |
| ۲۴۳ | ..... تصاویر                                           |
| ۲۶۳ | ..... کتابنامه                                         |
| ۲۷۵ | ..... نمایه                                            |

## متن‌شناسی، خودشناسی

ادبیات کلاسیک فارسی و در مقیاسی وسیع‌تر فرهنگ اسلامی هویت دیرین خود را در متن‌های بازمانده از دوره‌های پیشین باز یافته است. متن‌هایی که هر کدامشان بازگوکننده خطوط فکری و جهت‌گیری‌های دوره‌ای از دوران‌های تاریخی و، باریک‌تر از آن، بازتاب‌دهنده ابعاد شخصیتی پدیدآورندگان آن‌هاست. این متن‌ها از گذشته‌های دور به دست نسخه‌برداران و خواستاران آن رونویس شده و با نقص و کمبودهایی بالاخره به دست ما رسیده است. آنچه امروز برای فرهنگ و به‌ویژه ادبیات ما اولویت دارد بازایی و نشر این میراث خطی به وجهی پسندیده و نزدیک به اصل آن‌هاست. این کار از طریق استفاده از شیوه‌های علمی تصحیح متن میسر می‌شود که تا دیروز گمان می‌رفت (دست‌کم برای بسیاری) که درست از غرب برای ما به ارمغان آمده است. دلیل عمده این پندار هم‌آن بود که، در ابتدای دوران استفاده از صنعت چاپ، غربیان متن‌های کهن ما را تصحیح و منتشر می‌کردند و برخی از محققان پیشگام ایرانی مانند محمد قزوینی هم نخستین کارهای متن‌شناسی خود را در غرب و گاهی با کمک غربیان سامان دادند.

کتاب حاضر گام را عقب‌تر می‌گذارد و ضرورت‌های بازایی و بازشناسی متن‌ها را در فضای فرهنگ ایران در دوران اسلامی جستجو می‌کند و از مسیر این جستجو دست پر بازمی‌گردد. سخن بر سر این است که تمدن اسلامی وقتی در دامان فرهنگ ایرانی بارور شد و به شکفتگی و بالندگی مضاعفی دست یافت، نمی‌توانست از امر لازمی مثل رجوع به نصوص فرهنگی بی‌نیاز باشد و در این مراجعه لازم می‌آمد همه جنبه‌های اطمینان و اتقان را بیازماید تا آنچه به جایی و کسی منسوب می‌دارد در انتسابش ذره‌ای تردید روا نباشد. این ضرورت در آغاز



بایستی در سخنان و سیره پیامبر و نصوص منسوب به بزرگان دین، که مبانی اعتقاد با آن تفسیر می‌شد، به کار گرفته شود؛ امری که به علم درایت حدیث منتهی می‌شد.

در این کتاب، که ابتدا به عنوان رساله دکتری در قطب علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شد، سرچشمه‌های توثیق متن و زمینه‌های شناخت و ارزیابی نسخه‌های خطی فارسی و اکاوی و بازشناسی شده و سهم ابزارهای اطمینان از انتساب صحیح اثر به صاحب آن بر اساس متون بازمانده نشان داده شده است. مرور تجربیات خلاقانه‌ای که برخی از مصححان پیشگام در دوره‌های گوناگون تاریخی پشت سر گذاشته‌اند زمینه را برای اظهار نظر در مورد شیوه‌های تصحیح متن در دامن فرهنگ ایرانی بیش از پیش فراهم می‌آورد.

نویسنده در این کتاب با حوصله و بردباری که لازمه پژوهش راستین است به سراغ منابع دست اول رفته و با دقت تمام اطلاعات لازم را از لابه‌لای سطور منابع عربی و فارسی به در کشیده و با یافته‌های محققان نزدیک به زمان معاصر محک زده است. حاصل این تجربه پژوهشی دوگانه ترسیم خطوط نسخه‌شناسی و شیوه‌های دقیق تصحیح متن در دامن فرهنگ ایران در دوران اسلامی بوده و در فرجام نشان داده است که تصحیح انتقادی متون فارسی، صدها سال پیش از آنکه لاجمان و دیگران در دنیای غرب به کار گیرند، در ایران برای بازشناسی میراث مکتوب این سرزمین موضوعیت داشته است.

جای چنین پژوهشی در زبان فارسی خالی بود و اکنون که این کتاب به چاپ می‌رسد به نظر می‌رسد به یکی از نیازهای مبرم در زمینه خودشناسی و خوداتکایی فرهنگی، که امروز بیش از هر زمان دیگری بدان نیازمندیم، پاسخ گفته شده است. برای مؤلف و ناشر در راهی که گام گذاشته‌اند قدم صدق آرزو داریم، «عِنْدَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ».

محمد جعفر یاحقی

مدیر قطب علمی فردوسی و شاهنامه

دانشگاه فردوسی مشهد

## پیشگفتار

سال‌های سال می‌گذرد از آن روزی که در حین خواندن تمهیدات عین القضاات همدانی ازدحامی از پاورقی‌های ناآشنا توجهم را جلب کرد؛ «نسخه بدل» اولین تیر را پرتاب کرده بود. وقتی دیگر دیوان حافظ می‌خواندم، سخن از اختلاف نسخه‌های آن به میان آمد. با خود گفتم: «مگر دیوان حافظ را حافظ ننوشته است؟ پس دعوا بر سر چیست؟» مدت‌ها بعد، وقتی در میان جمعی از طالبان علم، اصول کافی می‌خواندیم و می‌شنیدم که فلان حدیث بدین لفظ در فلان نسخه نیامده یا در فلان چاپ نیست باز با خودم می‌گفتم: «مگر اصول کافی را یک تن که همان مرحوم کلینی باشد ننوشته؟ پس این اختلاف هفتاد و دو ملت از کجا برخاسته است؟»

همین پرسش‌های به ظاهر ساده و بلکه به عقیده برخی «ساده لوحانه» گزیده‌ترین روزگار جوانی‌ام را به یغما برد، یغمایی دلکش و دلخواه! ربیعان شباب به جای «افتد و دانی» به «نسخه‌شناسی و نسخه‌خوانی» گذشت. شانه به شانه «برگه‌های پیر» در کوچه‌های مبهم تاریخ قدم زدم و آشنایانی یافتم که عمرها در این کوچه‌ها سرگردان بودند و این بیت صائب ذکر مدامشان:

نشد ز نسخه دل نقطه‌ای مرا معلوم اگرچه عمر به تصحیح این رساله گذشت

نسخه‌های خطی نه تنها راویان فرهنگ و تاریخ پیشین‌اند، بلکه چگونگی دگرگونی‌ها را نیز روایت می‌کنند؛ روایتی که مصححان حاذق می‌شنوند و به گوش دیگران می‌رسانند. فن تصحیح متن شنیدن صدای تاریخ از زبان همین نسخه‌های

خاموش است و کار مصحح کاری نبی وار: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِشُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزاً».

بهراستی اولین کسی که کوشید تا صدای پیشینیان را از خلال نسخه‌های دستنویس باقی‌مانده از آنان بشنود کیست؟ این پرسش نیز مانند بسیاری دیگر از «اولین‌های ناشناس» بی‌جواب باقی مانده است:

پشه کی داند که این باغ از کی است      کاو بهاران زاد و مرگش در دی است

اما بی‌جواب ماندن این پرسش بدان معنی نیست که ما نمی‌توانیم سنت تصحیح متن را روایت کنیم، بلکه بدان معناست که روایت ما کامل نمی‌تواند بود.

در این روزگار سرسری‌گذار که وجه شاخصه‌اش «شتاب و فرار» است پرداختن به مسائلی از این دست — بررسی سنت تصحیح متن — نوعی از جنون قلمداد می‌شود: والجنون فنون! اما عاقلان بهتر می‌دانند که پاسخ به بسیاری از پرسش‌های امروزی نیازمند غور و فرورفتن در جهان دیروز است، جهان مردمانی که بر شانه‌هایشان ایستاده‌ایم و آن‌ها نیز بر شانه‌های پیشینیان، هَلَمْ جَزْأً.

فهم عمیق و دقیق پاسخ این پرسش که دانش امروزین تصحیح متن (textual criticism) فراورده چه روندی بوده است به ما کمک می‌کند تا اولاً بخش‌هایی ناشناخته از تاریخ و فرهنگ خویش را بشناسیم و ثانیاً تجربیات تلخ و شیرین پیشینیانمان را در این حوزه پیش چشم بیاوریم و ثالثاً نسبت این دانش را با فرهنگ اسلامی-ایرانی بسنجیم. در این روزگار که تعصبات قومی و قبیله‌ای جای خود را به جزم‌اندیشی‌های علمی‌نما داده است، تأمل در کرده‌های پیشینیان راهی پیش چشممان خواهد گشود به سوی فردایی روشن‌تر.

این پژوهش در دفاع از سنت تصحیح متن اسلامی-ایرانی نوشته نشده، بلکه کوشیده است تا این سنت را تبیین و تجزیه و تحلیل کند و پیش چشم مخاطب آگاه در ترازو نهد. از آنجا که این اثر نخستین پژوهش مستقل و تقریباً جامع در این حوزه است، بر سر هر جمله آن می‌توان اما و اگرها آورد و لم و لا نسلم

درانداخت. نگارنده نه در این وادی خود را کسی می‌پندارد و نه ادعایی دارد؛ تنها دل بدین خوش کرده است که عالمان و صاحب‌نظران در این کتاب بنگرند و عیب و هنرش را — اگر هنری داشته باشد — بازگویند، تا ان شاء الله زمینه‌ای فراهم آید برای تدوین آثاری جامع در این باب.

اکنون که سخن بدین جا رسید بر خود واجب می‌دانم از راهنمایی‌های استادان گرانقدری که در این کتاب سهم عظیم دارند سپاس بگزارم. استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محمدجعفر یاحقی که همواره از افاضاتشان بهره‌ها برده‌ام از مشوقان اصلی بنده در این کار صعب بودند و به‌راستی اگر دلگرمی‌ها و پشتیبانی‌های ایشان نبود بسا که این کار به سرانجام نمی‌رسید؛ خدای خیر دهد آن که این عمارت کرد. استاد یگانه و نازنینم جناب آقای دکتر محمود امیدسالار «جزو اعظم» این پژوهش بودند و هر جا گری در کار پیش می‌آمد به دست گره‌گشای ایشان گشوده می‌شد؛ حفظه الله تعالی لجمیعنا. استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر عبدالله رادمرد که به حق «صیغه مشبهه رادمردی» است و منت‌هایشان بر سر بنده یکی دوتا نیست در این پژوهش نیز یاریگرم بودند؛ وفقه الله تعالی فی سبيله.

استادان بزرگوار جناب آقای دکتر محمود عابدی، جناب آقای دکتر سید حسین فاطمی و جناب آقای دکتر ضیاء موحد متن نهایی پژوهش را تیزبینانه و با وسواسی عالمانه، که شایسته چنین استادانی است، به مطالعه گرفتند و نکات ارزنده‌ای را گوشزد فرمودند که در تحریر نهایی اعمال گردید؛ خدایشان حفظ کند. این پژوهش همچنین مدیون کمک دوستانی است که مرا به انحای گوناگون یاری رسانده‌اند. سپاسگزارم از پژوهشیان ارجمند، آقایان محمدامین حق‌پرست و احمد امینی، که نکات قابل توجهی را به بنده یادآور شدند و نیز وامدار دوست نازنینم جناب آقای سید امیر منصوری‌ام که مرا در تهیه بسیاری از مواد این پژوهش یاری کرد و حق دوستی را بیش از آنکه باید، گزارد؛

دریغ و درد که تا این زمان ندانستم که کیمیای سعادت رفیق بود رفیق

خدایشان پاداشی دهد که از چنو خدایی سزد!

امیدوارم ناقدان بصیر و عالمان خبیر نگارنده را از نظرها و پیشنهادهای خویش  
بهره‌مند سازند، که گفته‌اند:

اِذَا تَمَّ أَمْرٌ دَنَا نَقْصُهُ      تَوَقَّعَ زَوَالاً اِذَا قِيلَ تَمَّ

والسلام علی من اتبع الهدی

مجتبی مجرد

مشهد مقدس

## فصل اول

### ایرانیان و تصحیح متون در پنج قرن نخست اسلامی

#### مقدمه‌ای در باب تصحیح متن

آنچه امروزه در عرف دانشمندان و اهل تحقیق دانش تصحیح متن نامیده می‌شود عبارت است از: به کارگیری مجموعه‌ای از روش‌ها و توانمندی‌ها که به مصحح امکان می‌دهد یک متن کهن و تاریخی را با استفاده از دستنویس‌های موجود آن بازسازی کند. این تعریف دربردارنده چهار مؤلفه اصلی دانش تصحیح متن است:

۱. در این دانش از روش‌های علمی و انتقادی برای بازسازی متن استفاده می‌شود.
۲. هدف نهایی تصحیح دستیابی به صورت اصیل متون کهن و تاریخی و بازسازی آن‌هاست.
۳. گستره آن تمامی آثار مکتوب پیشینیان را در بر می‌گیرد.
۴. مواد اصلی تصحیح متن نسخه‌های خطی هستند.

روش‌های تصحیح متن را — با توجه به نگرش‌های سنتی و نوین — به سه روش اصلی و چندین روش فرعی تقسیم کرده‌اند که روش‌های فرعی از ترکیب روش‌های اصلی پدید می‌آید. اما روش‌های اصلی عبارت‌اند از:

۱. روش سنتی - ذوقی: در این روش معیار شناخت ضبط درست از نادرست ذوق و سلیقه شخصی مصحح است؛ ضمن آنکه وی خود را موظف به معرفی دستنویس‌های اساس کار خود و ثبت اختلاف نسخ نمی‌داند.

۲. روش علمی - خودکار: در این روش مصحح، با بررسی نسخه‌های خطی یک متن کهن، قدیمی‌ترین یا صحیح‌ترین نسخه را - به تشخیص خود - متن اصلی قرار می‌دهد و اختلاف سایر نسخه‌ها را به دقت و با نظمی خاص در پانویس صفحات یا انتهای متن ثبت می‌کند.

۳. روش علمی - انتقادی: در این روش مصحح تمام یا بخشی از نسخه‌های موجود یک اثر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و پس از گروه‌بندی نسخه‌ها، بر اساس موازن خاص، یک یا چند نسخه را مبنا قرار می‌دهد و اختلاف سایر نسخه‌ها را با دقت ثبت می‌کند. در این روش، برخلاف روش علمی - خودکار، مصحح خود را ملزم به پیروی محض از نسخه یا نسخه‌های اساس نمی‌داند، بلکه ضبط‌های گوناگون را از نظر درجه اصالت ارزیابی می‌کند و از آن میان ضبط صحیح‌تر را برمی‌گزیند (رک: خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۲۶۶-۲۶۴).

روش‌های تصحیح متن را به گونه‌های دیگری نیز از یکدیگر متمایز ساخته‌اند،<sup>۱</sup>

۱. به عنوان نمونه، آقای نجیب مایل هروی در کتاب تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی شیوه‌های تصحیح متون را به چهار روش تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. تصحیح متون بر مبنای نسخه اساس؛ ۲. تصحیح التقاطی؛ ۳. شیوه بینابین؛ ۴. تصحیح قیاسی (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۴۳۹-۴۴۴). امروزه در برخی از کشورها از روش‌های رایانه‌ای نیز در تصحیح متون استفاده می‌شود. البته باید توجه داشت که در این روش‌ها - که عموماً مبتنی بر ارائه داده‌ها و آمارگیری کمی از ضبط‌ها و دستنویس‌های یک اثر است - رایانه به عنوان دستیار و یاریگر مصحح به ایفای نقش می‌پردازد، نه آنکه خود به طور مستقل بتواند متنی را تصحیح کند. اولین نمونه تصحیح یک متن فارسی با استفاده از روش‌های رایانه‌ای «طرح متن جامع غزلیات سنایی» است که در سال ۲۰۰۱ میلادی به صورت یک پروژه

لیکن به نظر می‌رسد بنیاد اصلی این روش‌ها را باید در سه روش مذکور جستجو کرد.

هدف نهایی دانش تصحیح بازسازی یک متن کهن است. متون کهن در طول اعصار و قرون متوالی به تدریج دستخوش تحریف و دگرگونی شده‌اند. این دگرگونی‌ها علل گوناگونی داشته است: گاه سهوهای کاتبان و ناسخان به تدریج اثری را چنان دستخوش تحریف و دگرگونی ساخته است که چه بسا اگر مؤلف آن زنده بود کتاب خویش را نمی‌شناخت؛ گاه نیز علت تحریف‌ها و دگرگونی‌ها مسائل سیاسی، اجتماعی یا ایدئولوژیک بوده است.<sup>۱</sup> وظیفه اصلی مصحح تیزبین این است که یک متن را از طریق نسخه‌های موجود و با توجه به انواع دخل و تصرف‌های سهوی یا عمدی — صورت گرفته در آن بازسازی کند و نزدیک به آنچه از قلم مؤلف بیرون آمده است به مخاطب عرضه کند.

گستره دانش تصحیح متن تمام آثار مکتوبی است که عنوان «نسخه خطی» بر آن‌ها اطلاق می‌شود. کاوش در این حوزه گسترده آدمی را چنان به شگفتی وامی‌دارد که کم‌تر کسی را می‌توان یافت که با مسائل نسخه‌شناسی و تصحیح متن سروکار داشته باشد و از فراوانی نسخه‌های خطی دچار حیرت نشود. بر اساس آمارها، تا حدود یک دهه قبل، بیش از یک و نیم میلیون نسخه خطی اسلامی شناسایی شده است که این تعداد در یکصد و پنج کشور دنیا نگهداری می‌شود (کسائی، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۳۶). بدیهی است که این آمار تنها مربوط به نسخه‌هایی است که شناسایی شده، حال اگر نسخه‌هایی را که

→ تحقیقاتی در دانشگاه و نیز ایتالیا آغاز شده اما هنوز ناتمام باقی مانده است (درباره این پروژه ر.ک: والتینا زانولا، محمدجواد مهدوی، مجتبی مجرد، «طرح متن جامع غزلیات سنایی».

جستارهای ادبی، سال ۴۵، ش ۴ (زمستان ۱۳۹۱)، ۱۶۲-۱۳۵.

۱. برای دیدن نمونه‌هایی از نقش ایدئولوژی در تغییر و تحریف متن، ر.ک: محمدرضا شفیعی کدکنی، «نقش ایدئولوژیک نسخه‌بدل‌ها»، نامه بهارستان، ش ۹ و ۱۰، بهار و زمستان ۱۳۸۳.



هنوز شناسایی یا فهرست نشده است بر این مقدار بیفزاییم، گستره کار بسی فراخ تر خواهد شد. بنابراین حوزه کار نسخه شناسان و مصححان محدود به یک مکان یا کتابخانه خاص نیست، زیرا شناسایی و بررسی نسخه های خطی یک اثر حداقل نیازمند آشنایی با مراکز نگهداری این نسخه هاست.

ماده اصلی تصحیح متن نسخه های خطی یا دستنویس هاست. پیشینیان گاه نسخه<sup>۱</sup> را به معنای مطلق «کتاب» و گاه به معنای هیئت رونویس شده کتاب و نوشته به کار می برده اند (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۵). امروزه اصطلاح نسخه خطی بیش تر برای نوشته ها و مکتوباتی به کار می رود که، پیش از ورود صنعت چاپ و حتی مقارن با آن، به وسیله دست نوشته شده است. به عبارت دیگر، امروزه اصطلاح نسخه خطی در مقابل متن چاپی به کار می رود. در باب نسخه های خطی تقسیم بندی های گوناگونی مطرح شده است. برای نمونه، گاهی بر اساس معیارهای هنری گفته می شود که فلان نسخه از لحاظ هنری نفیس و فلان نسخه ساده و بی پیرایه است؛ گاهی نیز، بر اساس معیارهای فنی و علمی، تعبیر و تقسیمات دیگری بیان می شود. در تصحیح متون توجه به انواع نسخه های یک اثر از حیث اصالت آن ها در انتها درجه اهمیت قرار دارد. در این موارد برترین نسخه نسخه ای است که به خط مؤلف کتابت شده باشد که در اصطلاح نسخه اصل یا نسخه مؤلف نامیده می شود. پس از آن نسخه های سماع شده، نسخه های مقابله شده، نسخه های املائی، و نسخه های کهن قابل ذکرند. برخی نسخه ها نیز از حیث مشکول بودن (حرکت گذاری کلمات) اهمیت دارند (رک: مایل هروی، ۱۳۸۰: ۴۹-۲۵).

۱. گفته اند واژه نسخه از ریشه «نَسَخَ، یَنسَخُ» به معنای زایل و باطل کردن چیزی است. از آنجا که با کتابت یک اثر نسخه مکتوب عنه عملاً زایل به شمار می آمده و نسخه جدید جایگزین نسخه قبلی می شده است آن را نسخه نامیده اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳، ۶۱). واژه های «نسخ» و «استنساخ» ریشه های قرآنی دارند و معانی رایج این واژه ها در فرهنگ اسلامی از آیات قرآن کریم برگرفته شده است (برای نمونه، ر.ک: بقره (۲): ۱۰۶؛ حج (۲۲): ۵۲؛ جاثیه (۴۵): ۲۹). با این همه، نگارنده این احتمال را دور نمی داند که واژه نسخه غیر عربی باشد.

روش‌های تصحیح متن، البته نه به شکل امروزی، از قرن‌ها پیش در تمدن اسلامی برای تهذیب و تنقیح آثار مکتوب به کار گرفته می‌شده است. دانشمندان مسلمان قواعدی برای تصحیح متون تدوین کردند که به مرور تطوّر و توسعه یافت؛ به گونه‌ای که در قرون چهارم تا ششم هجری تصحیح متن به صورت دانشی شناخته‌شده در تمدن اسلامی مطرح بوده است و دانشمندان مسلمان درباره روش‌های تصحیح بحث‌های مفصلی کرده‌اند. البته میان این روش‌ها و روش‌های تصحیح متن در دوران جدید از حیث ساختار ارائه متن و نیز پاره‌ای بنیادهای نظری اختلاف وجود دارد. ما در فصل نخست این کتاب به مهم‌ترین روش‌های تصحیح متون در میان مسلمانان - تا پایان قرن پنجم هجری - خواهیم پرداخت.

روش‌های تصحیح متن در قرون جدید مورد توجه خاص اروپاییان قرار گرفت. از حدود قرن شانزدهم میلادی، تطوّر دانش تصحیح متن در اروپا به صورت مشخصی قابل بررسی است، اما اولین کارهای اصولی و علمی در این حوزه به اواسط قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. اروپاییان در این زمان برای تصحیح و نشر کتب پیشینیان قواعدی وضع کردند که به گفته خودشان حاصل استنباط‌های آنان از ادبیات یونانی، لاتینی و نیز ادبیات قرون وسطی بود. پس از این مرحله، نگارش کتاب‌ها و مقالات گوناگون در باب نقد و تصحیح متون آغاز شد و مدتی بعد مستشرقان این اصول و قواعد را فراگرفتند و در نقد و تصحیح آثار و کتب مشرق‌زمین به کار گرفتند (برجستراسر، ۱۹۹۵: ۱۲-۱).

البته این نظر که روش‌های امروزی تصحیح متن متأثر از شیوه‌هایی است که اروپاییان وضع کرده‌اند مخالفانی در مراکز علمی اسلامی دارد. برخی از دانشمندان مسلمان معتقدند سنت تصحیح متن ریشه در فرهنگ اسلامی دارد و مسلمانان از آن هنگام که به فراگیری علم و روایت آن در فنون و دانش‌های گوناگون پرداختند (یعنی از قرون نخستین اسلامی) قواعد

تصحیح متن را وضع کردند و اروپاییان و بالطبع مستشرقان این «امانت» را که از مسلمانان وام گرفته بودند دوباره به آنان بازگرداندند (هارون، ۱۹۹۴: ۸۲). ما، پس از بررسی سنت تصحیح متن در تمدن اسلامی - ایرانی، در فصل پایانی این کتاب به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های روش‌های سنتی و امروزی تصحیح متن خواهیم پرداخت تا خوانندگان با مقایسه این تفاوت‌ها و شباهت‌ها خود به داوری بنشینند.

پرداختن به تاریخ تطوّر سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام تلاشی است برای ارائه تصویری روشن و دقیق از آنچه در میان ایرانیان مسلمان تصحیح نامیده می‌شده است. شناخت روش‌ها و بنیان‌های نظری تصحیح متن پیشینیان گامی ضروری برای شناخت بخش‌هایی از تاریخ و فرهنگ ایرانی - اسلامی است که تا کنون ناشناخته مانده است. حداقل نتایجی که از این بررسی تاریخی به دست می‌آید عبارت است از: شناخت روش‌های برخورد پیشینیان با متون و به‌ویژه متون تاریخی و ایدئولوژیک، اندیشه مسلط بر کار مصحّحان ایرانی مسلمان و کارکردهای گوناگون تصحیح در فرهنگ گذشته این سرزمین.

### دوران انتقال و تعریف فرهنگ ایرانی

شاید، در نگاه نخست، عنوان «ایران پس از اسلام» نیازی به بررسی نداشته باشد، اما حقیقت این است که مشکل بسیاری از پژوهش‌ها تعریف نشدن دقیق امور بدیهی است. بنابراین بایسته است نخست توضیح مختصری درباره قید «ایران پس از اسلام» در این پژوهش داده شود. منظور از دوران پس از اسلام دورانی است که بخش اعظم سرزمین ایران و قلمرو زبان فارسی به تصرف مسلمانان درآمد. این دوران که از حدود دهه دوم هجری (فتح مدائن در سال ۱۶ ق.) آغاز می‌شود تا حدود نیمه قرن نخست هجری به طول می‌انجامد (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۳۱۴-۳۱۳). از این زمان به بعد، اغلب

دانشمندان و بزرگان ایرانی می‌کوشند تا اندیشه‌ها و افکار خویش را در بستر مبانی اسلامی مطرح سازند و با استفاده از زبان عربی — به عنوان زبان علمی و رسمی اسلام — و توجه به فرهنگ عرب — به عنوان بستر پیدایش اسلام — نگرش‌های خویش را در قالب تمدن جدید اسلامی عرضه کنند. بنابراین اگر در این پژوهش از قید «ایران پس از اسلام» استفاده می‌شود، منظور ایران پس از نیمهٔ قرن نخست هجری است.

از زمانی که مسلمانان ایران را فتح کردند تا دوران اولین آثار مکتوب موجود به زبان فارسی دری، تقریباً سه قرن فاصلهٔ زمانی وجود دارد. این مسئله بدان معنی نیست که ایرانیان در طول این سال‌های طولانی در سکوت به سر می‌بردند، بلکه این دوره یکی از اعصار مهم تاریخ ایران به شمار می‌آید که از آن با عنوان «دورهٔ انتقال» یاد می‌شود. در دوران انتقال، حادثهٔ خارق‌العاده‌ای در ایران رخ نداد، بلکه پدیدهٔ «تعریب» باعث ناشناخته ماندن بخش عظیمی از میراث فرهنگی ایرانیان شد. تعریب عبارت بود از رنگ عربی زدن به همهٔ عناصری که برای ایرانیان نقش هویت‌بخشی را ایفا می‌کرد. در دوران انتقال، بسیاری از واژه‌های فارسی تعریب شد؛<sup>۱</sup> حتی اشخاص برجستهٔ ایرانی و هویت آنان چنان دست‌چوش دگرگونی گشت که مثلاً شخصیتی مانند حسن بصری که در خانواده‌ای ایرانی به دنیا آمده بود و به زبان فارسی نیز سخن می‌گفت هویتی عربی یافت.<sup>۲</sup> دامنهٔ تعریب حتی به

۱. نمونه‌هایی از این واژه‌ها را می‌توان در کتاب‌های «المُعَرَّب» دید. این کتاب‌ها در میان مسلمانان مشهور بوده و یکی از مشهورترین آن‌ها کتاب «المعرب من الکلام الأعجمی علی حروف المعجم اثر ادیب و لغت‌شناس برجستهٔ بغدادی، ابومنصور موهوب بن احمد جوالیقی (۴۶۵-۵۴۰ ق.)، است.

۲. در باب هویت ایرانی حسن بصری علاوه بر کتاب دکتر محمدی ملایری می‌توان به بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۳۵ و زرکلی، ۱۹۸۹: ۲۲۶ مراجعه کرد. دکتر محمدی ملایری در جلد اول تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی نمونه‌های دیگری از تعریب

تاریخ و آداب و رسوم ایرانی نیز رسید و تاریخ اسلام چنان رنگ عربیت به خود گرفت که گویا ایرانیان هرگز سهمی در پیشرفت و شکوه آن نداشتند (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۱، ۳۱-۱۶).

در دوران انتقال، فرهنگ ایرانی چنان با اسلام و زبان و فرهنگ عربی گره خورد که نمی توان تاریخ ایران را در چند قرن نخست اسلامی بدون توجه به نقش اسلام و آثار عربی مورد واکاوی قرار داد؛ همان گونه که نمی توان تاریخ اسلام را بدون توجه به نقش ایرانیان تحلیل و بررسی علمی و دقیق کرد. ادبیات و فرهنگ ایرانی، پُر دوره انتقال، دو خط سیر جداگانه داشته است: نخست جریان زبان فارسی که در میان توده مردم استمرار داشته، اما در قرون نخستین اسلامی چنان که باید در صفحات تاریخ ظهور و بروز پیدا نکرده است؛ دوم جریانی که آثار، تمدن و فرهنگ ایرانی را از طریق زبان عربی به منصه ظهور رسانیده و به مهم ترین جولانگاه اندیشه و هنر دانشمندان و فرزنانگان ایرانی در جهان اسلام بدل شده است. دانشمندان ایرانی با تمام وجود خود را وقف آیین جدید کردند و تمام توان، پشتکار و اندیشه خود را در خدمت آیین نو و زبان عربی قرار دادند. به همین سبب بررسی تاریخی هر مسئله ای در باب تاریخ و فرهنگ ایرانی در چند قرن نخست هجری باید معطوف به ارتباط تنگاتنگ و ناگسستگی میان اسلام، ایران و زبان عربی باشد.

### قرآن، سرآغاز اندیشه های متن شناسانه اسلامی

از مجموعه روایات و اسناد تاریخی چنین برمی آید که در زمان ظهور اسلام در جزیره العرب تنها تعداد اندکی از اعراب با کتابت آشنایی داشتند. کتابت در میان اعراب پدیده ای نو ظهور قلمداد می شد و مهم ترین عامل گسترش آن

→ شخصیت های ایرانی الاصل را ذکر کرده است؛ برای نمونه، ر.ک: محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۱.

پس از ظهور اسلام اقدامات و دعوت شخص پیامبر اکرم (ص) بود. پیامبر خود بهره‌ای از خواندن و نوشتن نداشت، لیکن برای کتابت اهمیت و ارزش بسیاری قایل بود؛ به گونه‌ای که پس از جنگ بدر با اسرای مشرکان شرط گذاشت که هر یک از آن‌ها که به ده مسلمان کتابت بیاموزد آزاد خواهد شد. زید بن ثابت، کاتب رسول الله (ص)، یکی از همین مسلمانان بود که کتابت را از کفار آموخت (ابن سعد، ۱۹۹۰، ۲: ۱۶).

کهن‌ترین متن مکتوب و کامل جهان اسلام، که امروزه بدون تغییر و تحریف در دسترس مسلمانان قرار دارد، قرآن کریم است.<sup>۱</sup> دانشمندان مسلمان از قرون نخستین هجری تا عصر حاضر کتاب‌های فراوانی درباره کیفیت گردآوری و کتابت قرآن به رشته تحریر درآورده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده توجه فوق‌العاده مسلمانان به چگونگی گردآوری و تدوین کهن‌ترین اثر مکتوب جهان اسلام است. به گفته عموم محققان، تمامی قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) به صورت کامل و در یک مصحف گردآوری نشد، زیرا تا هنگامی که پیامبر (ص) در قید حیات بود نزول وحی استمرار داشت.<sup>۲</sup> پس از رحلت پیامبر (ص)، ابوبکر، خلیفه اول، دستور داد تا قرآن را



۱. قطعاً متون و نوشته‌های مکتوب دیگری نیز در میان مسلمانان موجود بوده است، از جمله نامه‌ها، نوشته‌ها و قراردادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. در قرآن کریم توجه خاصی به کتابت شده است. در آیه ۲۸۲ سوره بقره که بزرگ‌ترین آیه قرآن به شمار می‌آید، خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد قراردادهای اجتماعی را مکتوب کنند و در این کار دقت فراوان به خرج دهند. توجه به مسئله کتابت در مواضع دیگر قرآن نیز تصریح شده است، برای نمونه ر.ک: نسا (۴): ۸۱؛ نور (۲۴): ۳۳؛ انبیا (۲۱): ۹۴، ۱۰۴؛ اسرا (۱۷): ۷۱؛ انفطار (۸۲): ۱۱؛ جاثیه (۴۵): ۲۹؛ بینه (۹۸): ۳؛ یس (۳۶): ۱۲. ضمناً باید توجه داشت که فعل «کتب» به معنای نوشتن و مشتقات آن مانند کتاب، مکتوب، کاتب و غیره جمعاً ۳۱۹ بار در قرآن کریم ذکر شده است که توجه فراوان قرآن به امر کتابت را می‌رساند.

۲. این دیدگاه مخالفانی نیز دارد که معتقدند قرآن در زمان رسول اکرم بر روی اوراق و نوشت‌افزارهایی نوشته شده بود و نسخه کاملی از قرآن نزد پیامبر وجود داشت (رامیار، ۱۳۶۲: ۲۹۵-۲۹۰).

بر روی نوشت افزارهایی مانند پوست بنویسند تا تمامی قرآن در یک مجموعه منظم و صحیفه‌هایی قابل دوختن فراهم شود. در زمان عثمان، خلیفه سوم، به علت اختلاف قرائت، دستور داده شد تا یک گروه چهار نفری به سرپرستی زید بن ثابت مصحفی از قرآن را کتابت کنند و سپس چند نسخه از آن استنساخ و به مناطق مهم سرزمین اسلامی فرستاده شد تا به عنوان متن مرجع در اختیار همه مسلمانان قرار گیرد<sup>۱</sup> (سجستانی، ۲۰۰۲: ۱۰۶-۸۸).

به نظر می‌رسد مسئله اختلاف قرائت‌های قرآنی و چگونگی تشخیص صحت و سقم هر یک از قرائت‌ها مهم‌ترین پیش‌زمینه تصحیح متن در تمدن اسلامی است. می‌دانیم که در میان اعراب لهجه‌ها و گویش‌های گوناگونی وجود داشته است. برخی از اعراب تازه مسلمان شده پاره‌ای از مواضع قرآن را به لهجه و گویش خاص خود می‌خواندند و پیامبر اکرم (ص) برخی از این اختلاف قرائت‌ها را که تغییری در معنای قرآن ایجاد نمی‌کرد تصویب می‌فرمود. در دوران خلیفه اول اختلاف قرائت‌ها بیش‌تر شد و در زمان خلافت عثمان این مسئله اوج گرفت و به همین سبب مصحف عثمانی به نگارش درآمد (بیلی، ۱۹۹۸: ۷۱-۶۳؛ قدوری الحمد، ۱۳۷۶: ۱۲۲).

در مصحف‌های عثمانی، به مقتضای خطی که در آن دوره رایج بوده، نشانه‌هایی مانند نقطه و اعراب وجود نداشت. به همین سبب همراه هر نسخه یک قاری نیز فرستاده می‌شد و قاری باید از طریق سماع و نقل معتمدان و حافظان قرآن به قرائت مصحف می‌پرداخت؛ بنابراین قرائت قرآن فقط از

۱. در باب گردآوری قرآن پس از پیامبر اختلاف نظرهایی وجود دارد، از جمله اینکه برخی بر اساس پاره‌ای روایات تاریخی معتقدند گردآوری کامل قرآن پس از پیامبر به دست علی بن ابی طالب (ع) انجام گرفته و وی قرآن را بر اساس شأن نزول آیات گرد آورده است. این ندیم به این مطلب اشاره می‌کند و می‌نویسد: این مصحف را به خط خود علی بن ابی طالب دیده است. اما نکته جالب توجه اینجاست که ترتیب سوره‌ها به گونه‌ای که در مصحف علی بن ابی طالب بوده از نسخ خطی الفهرست ساقط شده است؛ ر.ک: ابن ندیم، ۱۹۸۷: ۴۱؛ سجستانی، ۲۰۰۲: ۶۰-۵۹؛ معرفت، ۱۳۷۵: ۸۵.

طریق سماع و نقل مشروعیت داشت و، جز از این طریق، تقریباً غیرممکن بود. خالی بودن مصاحف عثمانی از نقطه و اعراب اختلاف قرائت‌ها را افزونی بخشید، زیرا مردم قرآن را از طریق شنیدن و حفظ کردن می‌آموختند و به همین سبب به مرور اشتباهاتی در نقل یا شنیدن برخی از آیات رخ می‌داد (بیلی، ۱۹۹۸: ۷۹-۷۰).<sup>۱</sup>

عوامل مذکور سبب شد تا به تدریج در اواخر قرن نخست هجری اختلاف قرائت‌ها بسیار فراوان شود. برخی از این اختلافات به تصویب پیامبر رسیده و مشروع بود، اما برخی دیگر به سبب اشتباه در قرائت پدید آمده بود. در اواخر قرن نخست و اوایل قرن دوم هجری گروهی به نام «قُرّاء» شکل گرفت؛ اینان با قرائت‌های گوناگونی که مورد تأیید و تصویب پیامبر بود آشنایی داشتند و دانش خود را به طور غیرمستقیم از صحابه اخذ کرده بودند. قُرّاء بیش‌تر اوقات خود را صرف ضبط دقیق قرائت‌ها می‌کردند و عموم مسلمانان آنان را مرجع اصلی مشروعیت یا عدم مشروعیت قرائت‌های قرآنی می‌شناختند و در این امور به آن‌ها رجوع می‌کردند. نکته قابل توجه درباره قُرّاء این است که بسیاری از بزرگان آن‌ها ایرانی تبار بودند و مثلاً از میان «قُرّاء سبعه» - که قرائت‌های آنان مورد پذیرش همه مسلمانان است - پنج تن ایرانی‌الاصل بوده‌اند (دانی، ۲۰۰۷: ۱، ۲۲۴-۱۵۱).

به تدریج قواعد و اصولی برای شناخت قرائت‌های معتبر از قرائت نامعتبر پدید آمد. دانشمندان مسلمان و به خصوص قاریان مشهور، پذیرش قرائت‌های قرآنی را منوط به سه شرط کردند:

۱. ابوالعباس احمد بن عمار المهدوی (م ۴۴۰ ق.) در قرن پنجم رساله مختصر و مفیدی درباره علل اختلاف قرائت‌های قرآنی به نگارش درآورده است. در این رساله مختصر دلایل گوناگون پیدایش و گسترش اختلاف قرائت‌ها ذکر و در پاره‌ای از موارد نقد و بررسی شده است. این رساله در سال ۱۹۹۸ میلادی به همراه سه رساله دیگر به تحقیق حاتم صالح الضامن در بیروت به چاپ رسید. در این کتاب، رساله المهدوی با عنوان «بیان السبب الموجب لاختلاف القراءات و کثرة الطرق و الروایات» آمده است.



۱. هماهنگی و موافقت با رسم الخط یکی از مصاحف عثمانی.
۲. مطابقت با قواعد زبان عربی، اگرچه این مطابقت بر اساس وجهی از وجوه مختلف این قواعد باشد.
۳. صحتِ اسناد قرائت‌ها به قراء سبعه، یا قراء عشره یا دیگر قراء مشهور.

(طبری، ۱۴۱۲، ۱۱: ۴۷؛ دانی، ۲۰۰۷، ۱: ۱۵۰-۱۴۷؛ بیللی، ۱۹۹۸، ۷۹-۷۶).

به نظر می‌رسد این شیوه نقد قرائت‌های قرآنی از نخستین گام‌های نظری در حوزه نقد و تصحیح متون بوده است، زیرا در تصحیح متون نیز توجه به رسم الخط نسخه‌ها، مطابقت با قواعد زبانی و صحت نسخ اهمیت دارد. با این همه باز هم تأکید می‌کنیم که توجه به قرائت‌های قرآنی به عنوان پیش‌زمینه فن تصحیح در تمدن اسلامی اهمیت دارد، نه آنکه فنون تصحیح به طور کامل از آن‌ها اخذ شده باشد. ضمن آنکه نقد قرائت‌های قرآنی با تصحیح متون به معنای امروزی آن تفاوت دارد، زیرا در تصحیح یک متن مصحح باید بر اساس نسخه‌های یک اثر بکوشد تا متنی نزدیک به آنچه از قلم مؤلف بیرون آمده است ترتیب دهد، در حالی که در مسئله اختلاف قرائت‌ها متن مرجع و مورد قبولی وجود داشته و بحث بر سر مشروعیت سایر قرائت‌ها نسبت به متن مرجع بوده است.

### کتابت و تدوین حدیث

کتابت و تدوین حدیث که بعدها به برجسته‌ترین زیربنای تصحیح متن در جهان اسلام تبدیل شد ماجرای درازدامن دارد. پس از رحلت پیامبر (ص)، در میان مسلمانان اختلاف نظرهایی درباره ثبت کردن یا نکردن احادیث پدید آمد. گروهی که با کتابت حدیث مخالف بودند برای اثبات نظر خود احادیثی از پیامبر ذکر می‌کردند که در آن‌ها ظاهراً کتابت حدیث منع شده